

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده علوم اداری و اقتصاد  
گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

تبیین علل گفتمان غرب ستیز در میان روشنفکران ایران

(۱۳۴۰-۱۳۵۷)

استاد راهنما :

دکتر حسین مسعود نیا

استاد مشاور:

دکتر سید جواد امام جمعه زاده

پژوهشگر :

اکبر ملکیان

شهریور ماه ۱۳۸۸

۱۲۹۷۰۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات  
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

۱۳۸۸ / ۱۰ / ۲۲



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی آقای اکبر ملکیان  
تحت عنوان

"تبیین علل گفتمان غرب ستیز در میان روشنفکران ایران ۵۷-۱۳۴۰"

در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۳۱ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی..... به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد/ استادان راهنمای پایان نامه دکتر حسین مسعودنیا با مرتبه ی علمی استادیار امضا

۲- استاد/ استادان مشاور پایان نامه دکتر سیدجواد امام جمعه زاده با مرتبه ی علمی استادیار امضا

۳- استاد/ استادان داور داخل گروه دکتر امیرمسعود شهرام نیا با مرتبه ی علمی استادیار امضا

۴- استاد/ استادان داور خارج از گروه دکتر فریدون اللهیاری با مرتبه ی علمی استادیار امضا

مدیر گروه علوم سیاسی

دکتر حسین مسعودنیا



مراتب سپاس خود را به روح پاک و آسمانی مادرم، پدر بزرگوارم، همسر گرانقدرم، فرزندان عزیزم، اساتید و معلمان فرزانه ام و تمامی انبیاء، صالحین و شهیدان نثار می کنم.

## تقدیم به آستان جانان

و به آنانی که به من آموختند عشقی فراتر از انسان و فروتر از خدا نیز هست  
و آن دوست داشتن است

## چکیده:

بی تردید درک تحولات اجتماعی و سیاسی معاصر کشورمان بدون بررسی و تحلیل گفتمانهای مسلط در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی میسر نیست. گفتمانهایی که بوسیله روشنفکران خردورز و نظریه پرداز منجر به شکل گیری تغییرات بنیادی در حیات اجتماعی و دینی ایران شد.

از آنجا که نوع ارتباط ما با غرب همواره تعیین کننده بوده و تأثیر غیر قابل انکار گفتمان روشنفکران در نوع ارتباط با غرب بسیار قابل توجه می باشد لذا، سنجش و ارزیابی این گفتمان در نگاه به غرب در مقاطع مختلف و حساس زمانی ضروری است. بر این اساس به نظر می رسد یکی از مقاطع بسیار حساس جامعه ما، دهه های قبل از وقوع انقلاب اسلامی است که لازم است گفتمان روشنفکران مورد واکاوی و تحقیق و پژوهش قرار گیرد.

گفتمان غرب ستیز روشنفکران ایرانی سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ را می توان یکی از محوری ترین این گفتمان ها دانست. بر این باور، تحقیق حاضر با رویکردی توصیفی، تحلیلی و تاریخی به ریشه یابی عوامل طرح این گفتمان در بین روشنفکران ایرانی در آن مقطع تاریخی می پردازد. این پژوهش با بهره گیری از چارچوب نظریه تحلیل گفتمان و با استفاده از بررسی موردی زندگینامه و آثار دوتن از تأثیرگذارترین روشنفکران آن زمان یعنی جلال آل احمد و علی شریعتی به این نتیجه می رسد که روشنفکران مذکور خود در محدوده زمان، تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و جامعه خویش به خلق گفتمان می پردازند و سخت تحت تأثیر ایدئولوژی خویش و محیط پیرامونشان می باشند.

شرایط اجتماعی ایران در آن مقطع تاریخی که موجب تحقیر ملی و احساس بی هویتی گردیده بود، باعث شد، روشنفکران ایرانی برای کسب هویت در مقابل غیریتی (غرب) قرار گیرند که خالق این پدیده بود و برای کسب مشروعیت مجدد خویش به ساختارشکنی غرب پرداختند.

## کلید واژه ها :

1- روشنفکر ۲- گفتمان ۳- غرب ۴- مدرنیته ۵- فرهنگ

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول : کلیات

۱.....	مقدمه
۳.....	۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی
۴.....	۱-۲- کلید واژه ها
۴.....	۱-۲-۱- روشنفکر
۵.....	۱-۲-۲- گفتمان
۵.....	۱-۲-۳- غرب
۵.....	۱-۲-۴- مدرنیته
۶.....	۱-۲-۵- فرهنگ
۷.....	۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق
۹.....	۱-۴- اهداف تحقیق
۹.....	۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق
۱۰.....	۱-۶- کاربرد نتایج تحقیق
۱۰.....	۱-۷- فرضیات تحقیق
۱۰.....	۱-۸- روش تحقیق
۱۱.....	۱-۹- ابزار تجزیه و تحلیل

### فصل دوم : نظریه تحلیل گفتمان

۱۲.....	مقدمه
۱۴.....	۱-۲- پیدایش، اهداف و پیش فرض های تحلیل گفتمان
۱۴.....	۱-۲-۱- سیر تحول نظریه گفتمان
۱۵.....	۱-۲-۲- مهمترین اهداف تحلیل گفتمان
۱۶.....	۱-۲-۳- پیش فرض های تحلیل گفتمان
۱۷.....	۱-۲-۲- مبانی نظری
۱۷.....	۱-۲-۲-۱- روش ون دایک



۱۷.....	۲-۲-۲- سطوح تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف
۱۹.....	۳-۲-۲- مبانی نظری گفتمان میشل فوکو
۲۰.....	۴-۲-۲- نسبت گفتمان، دانش و قدرت در نگاه میشل فوکو
۲۳.....	۵-۲-۲- مبانی نظریه گفتمان لاکلا و موف
۲۹.....	۳-۲- مفاهیم رایج در تحلیل گفتمان
۲۹.....	۱-۳-۲- گفتمان
۳۰.....	۲-۳-۲- تحلیل گفتمان
۳۰.....	۳-۳-۲- مفصل بندی
۳۰.....	۴-۳-۲- عناصر
۳۰.....	۵-۳-۲- لحظه‌ها
۳۱.....	۶-۳-۲- انسداد و توقف
۳۱.....	۷-۳-۲- دال مرکزی
۳۱.....	۸-۳-۲- حوزه گفتمانگی
۳۱.....	۹-۳-۲- امکان و تصادف
۳۲.....	۱۰-۳-۲- منازعه و خصومت
۳۳.....	۱۱-۳-۲- زنجیره هم ارزی و تفاوت
۳۴.....	۱۲-۳-۲- هویت
۳۴.....	۱۳-۳-۲- سوژه و موقعیت‌های سوژگی
۳۵.....	۱۴-۳-۲- سوژگی سیاسی
۳۶.....	۱۵-۳-۲- هژمونی

### فصل سوم : چپستی و کیستی روشنفکران

۳۸.....	مقدمه
۳۹.....	۱-۳- تبیین واژه روشنفکر در فرهنگ نامه ها
۳۹.....	۱-۱-۳- واژه روشنفکر در فرهنگ فارسی
۴۰.....	۲-۱-۳- واژه روشنفکر در فرهنگ غرب
۴۱.....	۲-۳- روشنفکر کیست؟
۴۱.....	۱-۲-۳- تعریف روشنفکر

۴۳.....	۲-۲-۳- روشنفکران تکنوکرات
۴۴.....	۳-۲-۳- روشنفکری چیست؟
۴۵.....	۳-۳- کیستی روشنفکران از منظر اندیشمندان غرب
۴۵.....	۱-۳-۳- فوکو و روشنفکران
۴۶.....	۲-۳-۳- گرامشی و روشنفکران
۴۸.....	۳-۳-۳- هابرماس و روشنفکران
۴۹.....	۴-۳- گونه شناسی روشنفکران ایرانی در قبال غرب
۴۹.....	۱-۴-۳- روشنفکران غرب گرای لیبرال (غرب گرایی)
۵۱.....	۲-۴-۳- روشنفکران غرب گرای ناسیونالیسم (غرب ستایی)
۵۴.....	۳-۴-۳- روشنفکران غرب ستیز (غرب زدایی)
۵۶.....	۵-۳- مفصل بندی روشنفکران ایران در احزاب و گروه ها
۵۶.....	۱-۵-۳- جبهه ملی اول و بستر سیاسی شکل گیری آن
۵۷.....	۲-۵-۳- فعالیتهای سیاسی ملیون از شکست دولت ملی تا تکوین جبهه ملی دوم
۵۸.....	۳-۵-۳- شکل گیری جبهه ملی دوم
۶۰.....	۴-۵-۳- جبهه ملی سوم
۶۱.....	۵-۵-۳- نهضت آزادی ایران (۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲)
۶۲.....	۶-۵-۳- نهضت آزادی خارج از ایران (۱۳۴۲ - ۱۳۵۷)
۶۳.....	۷-۵-۳- نهضت خدایپرستان سوسیالیست
۶۳.....	۸-۵-۳- روشنفکران جوان و تشکیل گروههای چریکی (۱۳۴۰ - ۱۳۵۷)
۶۵.....	۹-۵-۳- سازمان چریکهای فدایی خلق (فدائیان مارکسیست)
۶۸.....	۱۰-۵-۳- سازمان مجاهدین خلق ایران (۱۳۴۴ - ۱۳۵۷)

## فصل چهارم : جلال آل احمد

۷۰.....	مقدمه
۷۱.....	۱-۴- زندگینامه جلال آل احمد
۷۱.....	۱-۱-۴- آل احمد، روحانی زاده
۷۲.....	۲-۱-۴- آل احمد و فاصله از مذهب

- ۷۳-۱-۳-۴ آل احمد، آشنایی و پیوستن به حزب توده ..... ۷۳
- ۷۴-۱-۴ آل احمد و انشعاب از حزب توده ..... ۷۴
- ۷۶-۱-۵ آل احمد و جنبش ملی شدن صنعت نفت ..... ۷۶
- ۷۷-۱-۶ رویکرد مجدد آل احمد به مذهب ..... ۷۷
- ۷۹-۲-۴ آل احمد و غرب ..... ۷۹
- ۷۹-۱-۲-۴ غرب چیست؟ ..... ۷۹
- ۸۰-۲-۲-۴ واژه غرب زدگی و واضح آن ..... ۸۰
- ۸۰-۳-۲-۴ مفهوم غرب زدگی آل احمد ..... ۸۰
- ۸۱-۴-۲-۴ غرب زده کیست؟ ..... ۸۱
- ۸۲-۵-۲-۴ آل احمد و دلایل نقد غرب ..... ۸۲
- ۸۳-۶-۲-۴ آل احمد و چگونگی درمان غرب زدگی ..... ۸۳
- ۸۳-۷-۲-۴ تفاوت مفهوم غرب زدگی آل احمد و رژیم پهلوی ..... ۸۳
- ۸۵-۳-۴ کتاب خدمت و خیانت روشنفکران ..... ۸۵

## فصل پنجم : علی شریعتی

- ۹۰-..... مقدمه ..... ۹۰
- ۹۱-۱-۵ زندگینامه دکتر علی شریعتی ..... ۹۱
- ۹۱-۱-۱-۵ سال های کودکی و نوجوانی ..... ۹۱
- ۹۳-۲-۱-۵ دوران اروپا و تحصیلات ..... ۹۳
- ۹۴-۳-۱-۵ از بازگشت تا دانشگاه و تدریس ..... ۹۴
- ۹۵-۴-۱-۵ حسینیه ارشاد ..... ۹۵
- ۹۷-۲-۵-۲ شریعتی و روشنفکران ..... ۹۷
- ۹۷-۱-۲-۵-۱ روشنفکر کیست؟ ..... ۹۷
- ۹۹-۲-۲-۵-۲ رسالت روشنفکر ..... ۹۹
- ۱۰۰-۳-۲-۵-۳ موضع گیری روشنفکران ایرانی در مقابل مذهب ..... ۱۰۰
- ۱۰۰-۴-۲-۵-۴ اولین کار روشنفکر ..... ۱۰۰
- ۱۰۱-۳-۵-۳ شریعتی و اصلاح دینی ..... ۱۰۱
- ۱۰۱-۱-۳-۵-۱ شریعتی و پروتستانتیزم اسلامی ..... ۱۰۱

- ۱۰۳..... ۲-۳-۵- پروتستانیزم اسلامی وظیفه چه کسی است و چگونه ؟
- ۱۰۴..... ۴-۵- بازگشت به اصل
- ۱۰۴..... ۱-۴-۵- گفتمان بازگشت به خویشتن
- ۱۰۵..... ۲-۴-۵- بازگشت به خویش در مقابل تهاجم غرب
- ۱۰۵..... ۳-۴-۵- بازگشت به کدام خویش؟
- ۱۰۶..... ۵-۵- شریعتی و معبودهایش
- ۱۰۹..... ۶-۵- تقسیم جهان به شرق و غرب
- ۱۱۰..... ۱-۶-۵- تحمیل فرهنگ غرب به شرق
- ۱۱۰..... ۲-۶-۵- تفاوت سیاست و فرهنگ در غرب و شرق
- ۱۱۱..... ۷-۵- تاثیر گفتمان روشنفکران غرب بر شریعتی

### فصل ششم : بافت اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و هویت یابی

- ۱۱۳..... مقدمه
- ۱۱۴..... ۱-۶- مدرنیزاسیون
- ۱۱۴..... ۱-۱-۶- مدرنیزاسیون از بالا
- ۱۱۸..... ۲-۱-۶- مشروطه نمادی از مدرنیته
- ۱۱۸..... ۳-۱-۶- اجرای ناقص توسعه
- ۱۱۹..... ۴-۱-۶- پروژه مدرنیزاسیون از بالا در بخش فرهنگ
- ۱۲۱..... ۲-۶- پروژه مدرنیزاسیون از بالا در بخش های اقتصادی، اجتماعی
- ۱۲۴..... ۳-۶- غرب ستیزی پروسه ایی برای هویت یابی شرقی
- ۱۲۴..... ۱-۳-۶- هویت در گرو ثنویت
- ۱۲۵..... ۲-۳-۶- مبانی نظریه پردازان غربی برای غیریت سازی شرق
- ۱۲۶..... ۳-۳-۶- جوهر و متمم و نسبت آنها
- ۱۲۷..... ۴-۶- فشارهای غرب بر غیریت شرق در ایران
- ۱۲۷..... ۱-۴-۶- نقش غرب در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹
- ۱۳۰..... ۲-۴-۶- ظهور مجدد مصدق در قدرت
- ۱۳۰..... ۳-۴-۶- استراتژی آمریکا و انگلیس در ایران

۱۳۱.....	۴-۴-۶- مقاومت غرب در برابر ملی شدن نفت ایران
۱۳۱.....	۵-۴-۶- واکنش غرب در قبال ملی شدن نفت
۱۳۲.....	۶-۴-۶- نقش غرب در کودتای ۲۸ مرداد
۱۳۷.....	۵-۶- نتیجه گیری
۱۴۱.....	منابع و مأخذ

## فصل اول :

### کلیات

#### مقدمه :

حیات اجتماعی و کردارهای سیاسی هر جامعه ای در چارچوب گفتمان سیاسی مسلط تعین می یابد. هر گفتمان شکل خاصی از زندگی و کردارهای سیاسی را ممکن می سازد و هویت و خودفهمی های فردی را به شیوه ویژه ای تعریف می کند و برخی از امکانات زندگی سیاسی را متحقق و برخی دیگر را حذف می نماید.

چون هر گفتمان سیاسی حاوی اصول و قواعدی است که کردارهای سیاسی را متعین می سازند، تحول گفتمانی نیز لازمه تحول در آن کردارهاست. ساختار سیاسی حوزه ای است که در پرتو گفتمان شکل می گیرد و با تغییر گفتمان ها، ساختارها دگرگون می شوند و از نو شکل می گیرند. از سوی دیگر استقرار و سلطه هر گفتمانی نیازمند پشتیبانی آن از جانب نیروها و قدرتهای حامی آنهاست.

نقش غرب و نحوه نگرش ما به آن غالباً نقاط عطفی را در تحولات سیاسی، اجتماعی ایران رقم زده است. بطوری که گفتمان غرب، چیستی و کیستی آن و نحوه تعامل ما با آن همواره مورد منازعه نخبگان و روشنفکران معاصر ما، در قرن اخیر بوده است. تعامل ما با غرب در شرایطی، ما را به سمت جلو و توسعه هدایت کرده و گاهی نیز موجب بحران و عقب گرد شده است. بر این اساس گفتمان غرب را باید یکی از محوری ترین گفتمانهای سده اخیر ایران به حساب آورد و بی شک یکی از گفتمانهای مسلط در ایران دهه های ۱۳۵۰ و ۱۳۴۰

گفتمان غرب ستیز بوده است. لذا این پژوهش بنا دارد چرایی گفتمان غرب ستیز روشنفکران ایرانی در دو دهه قبل از انقلاب اسلامی را مورد واکاوی قرار دهد.

بطور کلی تاریخ معاصر ایران، در مواجهه با غرب سه مرحله را در مقاطع مختلف تاریخی، سیاسی و اجتماعی پشت سر گذارده است و در این راستا روشنفکران ایرانی سه واکنش متفاوت از خود نشان داده اند. نخستین واکنش آنان در اواخر دوران قاجار، بواسطه ناکامی های فراوان در مقابل غرب و شکستهای پی در پی و احساس عقب ماندگی و ضعف در مواجهه با آنها و حضور اولیه روشنفکران ایرانی در غرب برای تحصیل، و بهت زدگی و حیرت آنها از آن همه پیشرفت اتفاق افتاد که حاصل آن، شیفتگی روشنفکران نسبت به غرب، و طرح گفتمان غرب ستایی در ایران بود.

اما در زمانی دیگر که روشنفکران در پی یافتن الگویی برتر برای زندگی بهتر بودند، و پس از حضور نخبگان ایرانی در غرب و گسترش ارتباط با آنان، گفتمان معتدل تر دیگری موسوم به گفتمان غرب گرایی تولد یافت. این گفتمان سعی می کند با الگوگیری از روشهای تمدن غربی که منتهی به پیشرفت و توسعه آن سامان گردیده است، مدینه فاضله مشابهی در جامعه ما بر پا کند. این گفتمان در دوران پهلویسم در جامعه ما شکل گرفت اما با ورود ارزشها و مظاهر تمدن غرب به ایران و مغایرت این ارزشها و مظاهر با سنتهای دینی و ملی مردم، ما شاهد واکنش منفی و رادیکالی می شویم که همانا گفتمان غرب ستیز روشنفکران دهه های ۴۰ و ۵۰ در کشورمان می باشد.

گفتمان مذکور پیامدی است که در نتیجه مدرنیزاسیون از بالا، تحقیر ملی با حضور اشغالگران در ایران، دخالت در حاکمیت ملی ایران، مقابله با ملی شدن نفت، وابستگی حاکمان به دنیای غرب و طرد سنتهای دینی و بومی بوجود آمده که در این پژوهش از آن به عنوان زمینه و بافت تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران یاد می شود و در حقیقت این بافت و زمینه است که بستری مناسب را برای ایجاد چنین گفتمانی فراهم می کند.

علاوه بر بافت موقعیتی و زمانی این گفتمان، باید عامل اساسی دیگری که عبارت از جنبه های ایدئولوژیکی و شخصیتی طراحان این گفتمان است را نیز مد نظر داشت. در این پژوهش در فصل اول به طرح سؤال علل شکل گیری این گفتمان، اهمیت موضوع، پیشینه تحقیق، روش تحقیق و فرضیه های آن پرداخته و سپس در فصل دوم با تبیین چارچوب نظری این تحقیق که شامل تحلیل گفتمان انتقادی و چگونگی سیر تحول آن از مباحث زبانشناسی به سمت علوم اجتماعی و علوم سیاسی با اشاره به نظریه های میشل فوکو، لاکلاو، موفه و دیگران می باشد مورد بررسی قرار گرفته و آنگاه در فصل سوم چستی و کیستی روشنفکران به عنوان یکی از کلیدواژه های

این تحقیق و اهمیت نقش آنها در تئوریزه کردن گفتمانهای مواجهه با غرب از نگاه اندیشمندان معاصر، تبیین شده است.

فصل چهارم و پنجم را اختصاصی به بررسی ویژگی های ایدئولوژیکی و شخصیتی دو تن از شاخص ترین و مؤثرترین روشنفکران این مقطع تاریخی داده و به گونه شناسی آنها پرداخته است. انتخاب آل احمد و شریعتی تصادفی نیست و بطور دقیق به این علت است که، بی تردید فضای فکری ایران در دهه ۱۳۴۰ زیر سلطه جلال آل احمد و فضای فکری دهه ۱۳۵۰ به شریعتی تعلق داشت.

آل احمد با نگاه تیزبینانه خود مشکلات اجتماعی را که روشنفکران ایران با آن روبرو بودند با نثری زیبا تشریح کرد، اما طرحی برای حل آن ارائه نکرد. لیکن شریعتی دغدغه طراحی راه حل عملی تغییر دادن این وضع دشوار را داشت و خود را به آن مشغول ساخت.

آل احمد طراح مشکل غرب زدگی است و شریعتی راه حلش را گفتمان بازگشت به خویشتن می داند. آل احمد در پی رجعت به سنت بود و شریعتی در تقابل با غرب به دنبال مدرن سازی مذهب بود. او خواهان پالایش مذهب از خرافه ها، تحریف ها، تحجرها و آنچه آنها را انحراف از اصول اولیه دین می دانست بود و همگرایی میان دین و تجدد را راه حلی برای نجات از این بن بست می دانست.

در فصل ششم و آخرین فصل به زمینه های اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی این مقطع در سمت گیری به سوی گفتمان غرب ستیز پرداخته شده و در فرجام کلام در نتیجه گیری این فرضیه اثبات گردیده که روشنفکران آن مقطع تحت تأثیر موقعیت های زمانی و مکانی و کیش شخصیت خویش و تحت تأثیر اندیشمندان غرب، مبادرت به تئوریزه کردن گفتمان غرب ستیز نموده اند.

## ۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی

تحولات حیاتی و اساسی یک کشور غالباً منتج از گفتمان مسلط قبلی آن جامعه است که توسط اندیشمندان، خردورزان، نظریه پردازان و روشنفکران شکل گرفته، گسترش یافته و نهادینه می شود. اما روشنفکران خود در محدوده زمان، تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و جامعه خویش به خلق گفتمان می پردازند. بنابراین گفتمان روشنفکران در موضوعات تأثیر گذار بر سرنوشت و آینده جامعه متبوعشان رانمی توان فارغ از شرایط اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و روابط قدرت مورد توجه قرارداد. بلکه روشنفکران در جغرافیاهای مختلف، گفتمانهای متفاوتی را به نمایش می گذارند. آنچه به این تمایزات شکل می دهد برآمده از روابط قدرت، ماهیت فرهنگی جامعه، کیفیت



ساختارهای اقتصادی، و معیارهای حاکم بر روابط اجتماعی هستند. بدین سبب است که گفتمان روشنفکران در اروپا و غرب از ارکان اصلی توسعه و پیشرفت بوده و نیز موجب تحولات اساسی و چشمگیر در آن دیار گردیده بطوریکه پیشرفتهای فزاینده در حوزه تکنولوژیک، اجتماعی، سیاسی و نیز اقتصادی تاحدزیادی مرهون این قشر خردورز بوده است.

ازاین منظر درک تحولات کنونی کشورمان، ضرورت نگاه به گفتمان روشنفکران گذشته راقطعی می سازد وبا همین فرض برای تبیین تحولات آینده، باید به گفتمان غالب امروز بنگریم. براین باوراست که می توان با بررسی رابطه تعاملی بین گفتمان غرب ستیز روشنفکران دهه ۱۳۴۰ ایران، تحولات دهه ۱۳۵۰ و به ویژه انقلاب اسلامی را به وضوح مشاهده کرد. سئوالی که ذهن ما را همواره به خود معطوف می کند این است که تحت چه شرایط و وضعیت ویژه ای، در بین غالب روشنفکران کشورما در (۱۳۵۷-۱۳۴۰)، گفتمان مخالفت باغرب شکل گرفت؟ بر این اساس پژوهش با استفاده از چهارچوب نظریه تحلیل گفتمان بدنبال پاسخ به این سئوال به صورت علمی ومدون می باشد که چه رابطه ای بین گفتمان غرب ستیز روشنفکری ایران در سالهای (۱۳۵۷-۱۳۴۰) و روابط قدرت وجود دارد؟ پاسخ فرضی نگارنده به این پرسش تاحدی با دیدگاه فوکوهمخوانی دارد: «گفتمان ها، همواره دربرابر قدرت تسلیم نیستند بلکه بیش ازآنچه دربرابر آن سرفروداورند، علیه آن برمی خیزند» (Foucault, 1977:101).

## ۱-۲- کلید واژه ها

### ۱-۲-۱- روشنفکر<sup>۱</sup>

کسی که توانایی درک چیزهای قابل فهم باروش تفکرمنطقی را دارد (Oxford, 2005:807). آنکه دارای اندیشه ای روشن است، کسی که دراموربا نظریازومتجددانه می نگرد(معین، ۱۳۶۴:۱۶۹۱). روشنفکر در فرهنگ آکادمی فرانسه به کسانی گفته می شود که به کارگرفتن فکروهوش درزندگی ایشان مسلط بردیگراموراست (آل احمد، ۱۳۷۲:۵۷).

«ژولین بندا»<sup>۲</sup>، در تعریف این واژه می گوید: «روشنفکر انسانی است، جويا و مدافع ارزش های ابدی یا مطلق، مانند حقیقت و عدالت محض، فارغ از مصالح و علایق و نیز تعلق به دسته یا جماعتی خاص، و به همین جهت ناگزیر از پاس داشتن استقلال فکری خویش است» (ستاری، ۱۳۷۹: ۲۵۳).

<sup>۱</sup> Intellectual

<sup>۲</sup> Benda

۱-۲-۲-گفتمان<sup>۱</sup>

اصطلاح گفتمان ظاهراً اولین بار در مقاله تحلیل گفتمان (۱۹۵۲) نوشته زلیک هریس به کار رفت (فخام زاده ۱۳۷۵: ۳). اکنون بر خلاف تحلیل های سنتی زبانشناختی تحلیل گفتمان از بافت متن<sup>۲</sup> عبور کرده و به عوامل برون زبانی یعنی بافت موقعیتی<sup>۳</sup> فرهنگی و غیره سر و کار داریم. «تحلیل گفتمان ضرورتاً تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است که در این صورت نمی تواند منحصر به توصیف صورتهای زبانی مستقل از اهداف و نقشهایی باشد که در این صورت، برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده اند... فوکو تحلیل گفتمان را مشخصاً وارد حیطه علوم اجتماعی و تاریخ کرده است» (بهرامپور ۱۳۷۹: ۴۳).

۱-۲-۳- غرب<sup>۴</sup>

کشورهای اروپای غربی و آمریکا، کشورهای غیر کمونیست اروپا و آمریکا (نوروزی، ۱۳۸۶: ۵۶۲). پیدایش اصطلاحاتی چون تمدن در نیمه های قرن هجدهم و غرب در نیمه های قرن نوزدهم، موجب شد دوگانگی تمدن، بربریت و غرب، شرق بسادگی جای دوگانگی مسیحیت، اسلام را که در قرون وسطی رایج بود بگیرد (بروجردی، ۱۳۷۷: ۱۵). درین روشنفکران ایرانی یک تعریف کلی و مستدل از غرب رایج نیست (کاجی، ۱۳۷۸: ۱۸۷).

۱-۲-۴- مدرنیته<sup>۵</sup>

دو بعد پایه یی مدرنیته، «عقلانیت» و «تشکل» است. از دید وبر، جامعه نوین (مدرنیته) جامعه یی است عقلانی و تشکیلاتی که در آن بخش عمده روابط اجتماعی علاوه بر عقلانی بودن، نوعاً در قلمرو کنش تشکیلاتی یعنی سازمان یافتگی، ضابطه مندی و اقتدار قرار می گیرد (زاهدی، ۱۳۸۶: ۸۴).

دوره مدرنیته که در قرن شانزدهم و شاید هم اندکی قبل از آن در اواخر قرون وسطا پا به عرصه نهاد، ویژگیهایی داشت؛ مهمترین آنها «خود بنیاد اندیشی بشر<sup>۶</sup>» و «سلطه بلامنازع یافتنی عقل» به همراه برداشت خاصی از عقل است.

<sup>۱</sup> Discursive

<sup>۲</sup> Co-Text

<sup>۳</sup> Context of Situation

<sup>۴</sup> The West

<sup>۵</sup> Modernization

<sup>۶</sup> Subjectivism

«مدرنیته پر یودیزه (دوره ای) کردن جدید تاریخ (عتیق، قرون وسطی، مدرن) را دنبال می کند. پر یود (دوره) در مدرنیته یعنی زمانی که عقل و علم بر کتاب مقدس، سنت و عرف غلبه کردند. در قلب مدرنیته آزادی عمل و آزادی دانستن برای فرد که با تجربه هایش می تواند اسرار طبیعت را کشف کرده و با همکاری دیگران دنیای نو و بهتری را بسازد وجود دارد» (هانت و دیگران، ۱۹۹۴: ۲۰۱).

پیدایش مدرنیسم یا تجدیدگرایی در غرب را می توان واکنشی بر ضد سنت و دین مسیحیت دانست. مدرنیسم در هر جای جهان در قبال «سنت» و «دین»، موضع می گیرد و این ویژگی مشترک نظامهای برآمده از مدرنیسم است.

مهمترین مؤلف های جهان نگری مدرنیسم عبارتند از: ۱. انسانگرایی ۲. اندیشه پیشرفت ۳. مادگرایی ۴. عقل گرایی (راسیونالیسم) ۵. ویژگی تجربی ۶. برابری طلبی ۷. فرد گرایی ۸. احساسات گرایی (ملکیان، ۱۳۸۴: ۳).

#### ۱-۲-۵- فرهنگ<sup>۱</sup>

فرهنگ در معنای اخص آن مجموعه ای از ارزشهای موجود در جامعه است که رفتارهای افراد در قالب آن شکل گرفته و انسان را ناگزیر به انجام رفتارهای معینی می سازد. «فرهنگ در حکم سیمانی است که اجزای ساختمان جامعه را به هم پیوند میزند. و معمولا فرهنگهای سنتی در برابر فرهنگهای مدرن آسیب پذیرتر است» (قوام، ۱۳۷۴: ۷۱). اما فرهنگ ملی فرهنگ واحدی است که سرتاسر اجتماعی را که به عنوان یک کشور تعیین گردیده پوشاند و از تعمیم فرهنگی تقریبا متجانس بوجود آید. البته اغلب کشورهای جهان با مشکل چند فرهنگی مواجه هستند اما این امر در کشورهای جهان سوم حادثتر است.

گابریل آلموند<sup>۲</sup> فرهنگ سیاسی را «الگوی ایستارها و سمتگیریهای فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام» تعریف می کند (عالم، ۱۳۷۴: ۱۵). سیدنی وربا<sup>۳</sup> بر این نظر است که «فرهنگ سیاسی از نظام اعتقادی تجربی، نمادهای معنی دار و ارزشهایی که معرف کیفیت انجام اقدام سیاسی اند تشکیل می یابد» (عالم، ۱۳۷۴: ۱۶).

<sup>۱</sup> Cultuer

<sup>۲</sup> Gabriel Almond

<sup>۳</sup> Sidney Verba

### ۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

موضوعی که همواره مورد بحث و تبادل نظر روشنفکران و صاحب نظران سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی کشورهای موسوم به شرق، جهان سوم و بویژه ایران قرار گرفته است، چگونگی و چرایی برخورد جامعه با پدیده تمدن غربی، بوده است. در زمینه بررسی جایگاه غرب در گفتمان روشنفکران (۱۳۵۷-۱۳۴۰) تحقیق خاصی که بتواند این موضوع را پوشش بدهد صورت نگرفته است اما در مورد هر کدام از این مفاهیم به طور جداگانه پژوهش‌هایی انجام شده است که می‌تواند تا حدودی پیشینه این موضوع قلمداد شود.

مریم شیبری (۱۳۸۱) پایان نامه کارشناسی ارشد خود را در مورد سیر اندیشه روشنفکری در ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰) به رشته تحریر درآورد. که هدف خود را بررسی علل شکست و به حاشیه رانده شدن روشنفکران ایران در دوران حکومت محمدرضاشاه پهلوی ذکر کرده است. در این رساله ضمن تفسیم بندی روشنفکران در مقاطع گوناگون زمانی به سیر اندیشه های روشنفکری در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ و در حین آن به صورت مختصر و گذرا به تفکر روشنفکران این دوره اشاره کرده است و معتقد است اکثر روشنفکران این دوره رویکرد مذهبی داشته اند.

جهاندار امیری (۱۳۸۱) در پایان نامه دکترای خود به بررسی تحولات روشنفکری مذهبی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰) پرداخت. این پایان نامه با نگاهی تاریخی-اجتماعی به تحولات روشنفکری در ایران به چگونگی جریان دین مدار جامعه از سالهای دهه ۲۰ می پردازد. تحقیق مزبور در پی یافتن پاسخ این سؤال بود که چرا در حالیکه نسلهای گذشته روشنفکری بدون اعتقاد به دین و ارزشهای دینی و گاه با نفی آن به فعالیت پرداخته اند. نسلهای جدید تردهه ۲۰ به همکاری با آن رو آوردند و به نقد گذشته روشنفکری و ارائه راه‌های جدید بر مبنای اسلام پرداختند. فرضیه تحقیق بر این مبنا است که روشنفکران با آگاهی از تاثیر و نقش علماء در تحولات اجتماعی دریافتند که مبارزه با رژیم حاکم و ایجاد جریانی قدرتمند تنها با استفاده از مبانی و ویژگی های دینی ممکن می‌شود.

مهرداد بروجردی (۱۳۷۷) استاد علوم سیاسی در آمریکا در پژوهش خود به تبیین واکنش روشنفکران ایرانی در مقابل دگرگونی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی درونی جامعه شان در بین سالهای (۱۳۷۰-۱۳۲۰) پرداخته است. وی این کار را از طریق بررسی نقادانه فرآورده های گفتمانی روشنفکران ایرانی در بحث ازدولت و جهان غرب صورت داده است.